

نقش نهادها در تأمین و حفظ امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)

(ارائه مقاله در بخش دانشجویی کنگره)

احترام سعادت فر^۱

چکیده

در این نوشتار بررسی می‌شود که آیا از دیدگاه امام خمینی (ره)، نهادها می‌توانند در ایجاد و حفظ امنیت نقشی داشته باشند؟ در این راستا، مفهوم امنیت و سپس نقش برخی از نهادها در تأمین و حفظ امنیت مطرح می‌شود. مانند: ۱- حکومت؛ امام بر لزوم تشکیل حکومت به منظور حفظ نظام جامعه و برقراری امنیت عمومی تأکید دارد. ۲- خانواده؛ والدین می‌توانند اعتماد به نفس، روحیه خودکفایی، متحد و مستقل بودن را از طفولیت در بچه‌ها ایجاد کنند. چرا که جوانی که دارای اعتماد به نفس و روحیه خودکفایی باشد و بداند اتحاد چه اثراتی دارد، مسلماً چنین فردی می‌تواند امنیت خود و جامعه را به نحو مطلوبی تأمین کند. ۳- آموزش و تربیت؛ مسئولین آموزش و پرورش باید به لحاظ تربیتی طوری برنامه‌ریزی کنند که به جای یادگیری‌های ساکن و راکد، به آموزش و پرورش‌های متنوع، پویا و عمل‌گرایانه توجه شده و کودکان، بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی و از جمله، نکات مربوط به امنیت را حداقل یک‌بار در دوران تحصیل با نظارت معلمان تجربه کنند. همچنین رسانه‌های گروهی که نقش مهمی در زمینه تعلیم و تربیت دارند می‌توانند با ارائه برنامه‌ها و مطالب آموزنده و علمی، سطح افکار عمومی را بالا برده و مردم را به حقوق و وظایف‌شان آگاه کنند و باعث تقویت روحیه امنیت‌خواهی در مردم باشند. ۴- دین؛ اسلام برای تمام ابعاد زندگی برنامه دارد و برای آرامش و امنیت انسان‌ها راهکارهایی را ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: امنیت، امام، خانواده، دین، حکومت.

۱- کارشناسی ارشد علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران) دانشگاه باقر العلوم (ع) و سطح دو جامعه الزهرا

مقدمه

همواره، توسعه و پیشرفت جامعه و برخورداری از فرصت‌های اجتماعی، نیازمند بهره‌مندی حداقلی از امنیت است. از این رو امنیت یکی از عناصر اصلی پیشرفت و تأمین و تضمین آزادی در جامعه است. امنیت از مقولات بسیار مهم و رایج حیات بشری از گذشته‌های دور تا امروزه بوده و ضمن پشت سرگذاردن تحولات عمده در گذر زمان، نه تنها اهمیت آن کاهش نیافته، بلکه هر روز بر اهمیت آن افزوده گشته و ابعاد وسیع‌تری یافته است. یکی از دلایل آن، این است که انجام بسیاری از فعالیت‌های فردی و جمعی در غیاب امنیت به واقع ناممکن است. در این پژوهش، در پی پاسخ به این سؤال هستیم که آیا از نظر امام خمینی (ره)، نهادها در ایجاد و حفظ امنیت می‌توانند نقشی داشته باشند؟ نگارنده، مدعی است که با توجه به بیانات و آثار حضرت امام خمینی (ره)، نهادها در ایجاد و حفظ امنیت می‌توانند نقش مؤثری داشته باشند. در این راستا، ابتدا مفهوم امنیت از دیدگاه امام (ره) بررسی شده، در ادامه تلاش می‌شود تا نقش برخی از نهادها از جمله حکومت، دین، خانواده و تعلیم و تربیت را در ایجاد و حفظ امنیت البته با توجه به اندیشه حضرت امام خمینی (ره)، بررسی شود.

مفهوم امنیت از دیدگاه امام خمینی

در آرای امام خمینی (ره)، امنیت تعریف نشده است، اما گزاره‌هایی در اهمیت و ضرورت امنیت وجود دارد. بحث امنیت در مباحث امام خمینی، با واژه‌های مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله می‌توان از فقدان تحمیل، زور و خشونت، رعب و ترس، حفظ جان و مال و... نام برد. از این رو صرفاً نباید در پی دانش واژه امنیت بود.

ایشان امنیت را یک نعمت تلقی کرده است و در موارد متعددی آن را می‌ستایند. از جمله در یک مورد ضمن مقایسه با نظام پهلوی معتقد است، در نظام جمهوری اسلامی، امنیت مردم به خوبی تأمین شده و دوران ناامنی و هراس مردم و نخبگان از حکومت و نهادهای منتسب به آن خاتمه یافته است:

«این‌هایی که پنجاه و چند سال زیر شکنجه صبر کردند، حالا آزاد شدند. حالا دیگر خوف این‌که یک کسی بیاید بی‌خود بگیردشان ندارند. خوف این‌که یک نظامی بیاید بزند تو سرشان ندارند. یک نعمت بزرگی که به شما خداوند تعالی عنایت فرموده است که در منزلتان راحت می‌خوابید، ترس از سازمان امنیت ندارید، ترس از ارتش ندارید، ترس از حکومت ندارید.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۵۶)

و در موارد مشابه دیگری نیز ایشان این مقایسه را انجام داده و بر این نکته تأکید کرده است که دولت در خدمت مردم است و از زورگویی و استبداد، که منشأ اصلی ناامنی و هراس و ترس عمومی در یک جامعه به شمار می‌رود، خبری نخواهد بود:

«دیگر قضیه سازمان امنیت در کار نیست، زجرهای سازمان امنیت در کار نیست، دیگر نمی‌توانند پاسبان‌ها به ما زور بگویند و به ملت ما زور بگویند. دیگر نمی‌تواند دولت به ملت زور بگوید، دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است، باید خدمتگزار ملت باشد.» (همان، ص ۴۶۳).

در این دیدگاه، امنیت برای مردم است و در خدمت مردم است و دولت موظف است ابزارهای ناامنی و تهدید را از جامعه بزدايد و در تأمین امنیت و تأمین سلامت و بهداشت روانی، ذهنی و فیزیکی افراد و گروه‌ها تلاش وافر نماید. این مسئله می‌تواند موجبات اعتماد و اطمینان مردم به حکومت و نیز مشروعیت آن را افزایش دهد و تهدیدات داخلی و خارجی حکومت را بی‌اثر سازد. در مجموع می‌توان گفت که حضرت امام خمینی (ره)، شخصیتی بود که نه تنها امنیت و آسایش نظام ظالمانه شاهنشاهی را در ایران در هم ریخت بلکه هیمنه استکبار جهانی و استعمارگران شرق و غرب را در هم شکست و مدعیان دروغین نظم نوین جهانی را رسوا کرد و جهانیان به ویژه مستضعفان و ستم‌کشیدگان را به آرامش و امنیت در سایه عزت و اقتدار اسلام ناب محمدی دعوت نمود. با مراجعه به راه امام و کلام آن بزرگوار می‌توان چنین برداشت کرد که نگاه ایشان به مفهوم امنیت، نگاهی کلان‌نگر و عمیق می‌باشد و به تعبیر دیگر در جهت مقابله با هرج و مرج و ناامنی، هر نظمی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد و به شکل ظاهری بسنده نمی‌کند.

نقش نهادها در تأمین و حفظ امنیت

امنیت یکی از نیازهای اساسی و ضروری انسان‌هاست. و انسان‌ها همواره تلاش می‌کنند تا از راه‌های مختلف امنیت و آرامش را در اجتماع خود ایجاد کنند. چرا که در سایه آرامش و امنیت است که پیشرفت و توسعه حاصل می‌شود و در یک جامعه امن است که افراد جامعه می‌توانند از آزادی‌های مشروع و قانونی خود برخوردار شوند، در این قسمت نگارنده بر آن است که با توجه به بیانات و آثار حضرت امام، برخی از نهادهایی را که در ایجاد و حفظ امنیت می‌توانند نقش داشته باشند، مورد بررسی قرار دهد.

۱- حکومت

حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش در یک جامعه نیازمند یک سازمان اجرایی تحت عنوان حکومت می‌باشد. حکومت وسیله‌ای است که تحقق حاکمیت دولت در یک جامعه توسط آن صورت می‌پذیرد و این امر موجب تأمین امنیت عمومی در جامعه می‌شود. امام خمینی نوید حکومت اسلامی را با برقراری امنیت عمومی می‌دهند:

«امید است در پرتو حکومت عدل و افراشته شدن پرچم اسلام، آزادی و امنیت و استقلال نصیب ملت محترم ایران شود.» (همان، ج ۵، ص ۵۱۸).

امام بر لزوم تشکیل حکومت به منظور حفظ نظام جامعه و جلوگیری از ناامنی و هرج و مرج، برقراری نظم و امنیت عمومی در هر جامعه‌ای تأکید دارد:

با توجه به این که حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان امری نکوهیده و ناپسند است و پر واضح است که حفظ نظام و سد طریق اختلال، جز به استقرار حکومت و وجود حاکم در جامعه تحقق نمی‌پذیرد، لذا هیچ تردیدی در لزوم اقامه حکومت باقی نمی‌ماند. (همان، ج ۱۹، ص ۱۵۳).

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی به شرح زیر است که هر کدام از محورهای زیر در صورت تحقق می‌تواند به ایجاد امنیت در جامعه منجر شود:

۱-۱ لزوم نجات مردم مظلوم و محروم

دفاع از مظلومان و مستضعفان و تحقق عدل در جامعه تنها از طریق ایجاد دستگاه حکومتی، ممکن است. به طوری که اگر نظامی نتواند محرومیت اقشار محروم جامعه را رفع نماید و در جهت رفاه و آسایش آنان اقدام کند زمینه‌های عدم ثبات جامعه را فراهم خواهد کرد. مبارزه با مظلومیت مظلومان از وظایف اصلی پیامبران و مصلحان بشری است. امام می‌فرماید: «ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۳۷). و نیز می‌فرماید: «وظیفه علمای اسلام و همه مسلمانان است که به این وضع ظالمانه خاتمه بدهند؛ و در این راه، که راه سعادت صدها میلیون انسان است، حکومت‌های ظالم را سرنگون کنند، و حکومت اسلامی تشکیل دهند» (همان، ص ۳۸).

۱-۲ ماهیت و کیفیت قوانین اسلام

در دیدگاه امام، کیفیت قوانین اسلامی به‌گونه‌ای است که خود عامل ایجاد یک نظام سیاسی و ساختار حکومتی است، و در پرتو اجرای درست قوانین است که آرامش در جامعه برقرار خواهد شد و نیازمندی‌های مردم برطرف می‌گردد:

«دلیل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (احکام شرع) است. ماهیت و کیفیت این قوانین می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح گشته است؛ اولاً، احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هرچه بشر نیاز دارد، فراهم آمده است... ثانیاً، با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع در می‌یابیم که اجرای آن‌ها و عمل به آن‌ها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره، نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد.» (همان، ص ۲۸-۳۰).

۱-۳ احکام دفاع ملی

از جمله احکام اسلامی که بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد و اجرای آن جز از طریق استقرار تشکیلات اسلامی میسر نیست، احکام دفاع ملی است. تقویت بنیه دفاعی کشور باعث می‌گردد که نظام‌های سلطه‌گر بیگانه را از تجاوز به کشور اسلامی باز دارد و به استقلال آن آسیب نرساند و این امر موجبات تحکیم منافع، مصالح و امنیت ملی جامعه می‌شود: «از طرف دیگر، احکامی که راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است، بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد؛ مثلاً این حکم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» [انفال: ۶۰]، که امر به تهیه و تدارک هر چه بیش‌تر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی است؛ و امر به آماده‌باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش. هرگاه مسلمانان به این حکم عمل کرده و با تشکیل حکومت اسلامی به تدارکات وسیع پرداخته، به حال آماده‌باش کامل جنگی

می‌بودند، مشتی یهودی جرأت نمی‌کردند سرزمین‌های ما را اشغال کرده مسجد اقصای ما را خراب کنند... تمام این‌ها نتیجه این است که مسلمانان... تشکیل حکومت صالح و لایق نداده‌اند...» (پیشین، ص ۳۳-۳۴).

۴-۱ نفی حکومت طاغوت

برپایی حکومت طاغوت که بر مبنای ظلم و ستم ایجاد می‌گردد، موجب نارضایتی قشرهای مختلف جامعه می‌شود و زمینه‌های رشد و تربیت مطلوب مردم را از بین می‌برد. بنابراین، مهمترین رسالت پیامبران، فراهم کردن زمینه تعلیم و تربیت افراد جامعه و رشد استعدادهای آنان است و این رسالت تحقق نمی‌پذیرد مگر آنکه حاکمیت طاغوت از میان برداشته شود و به جای آن، مناسبات انسانی و نظام توحیدی برقرار گردد:

«شرع و عقل حکم می‌کند که نگذاریم وضع حکومت‌ها به همین صورت ضد اسلامی، یا غیراسلامی، ادامه پیدا کند. دلایل این کار واضح است: چون برقراری نظام سیاسی غیر اسلامی به معنای بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است. همچنین به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی نظامی شرک‌آمیز است، چون حاکمیت «طاغوت» است؛ و ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم. و باز به این دلیل که موظفیم شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و بافضیلت فراهم سازیم. و این شرایط درست ضد شرایط حاکمیت «طاغوت» و قدرت‌های نارواست» (همان، ص ۳۵).

امام (ره)، معتقد است که اگر حکومت فاسد و ظالم را سرنگون نکنیم، جامعه دچار فساد می‌شود؛ در نتیجه «در این شرایط اجتماعی و سیاسی، انسان مؤمن و متقی و عادل نمی‌تواند زندگی کند و بر ایمان و رفتار صالحش باقی بماند» (همان).

در واقع می‌توان گفت که امام معتقد است که اگر حکومت فاسد و ظالم باشد در چنین جامعه‌ای انسان از امنیت اجتماعی، فرهنگی و... برخوردار نخواهد بود. بنابراین «ما چاره نداریم جز این که دستگاه‌های حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم...» (همان، ص ۳۶).

۵-۱ لزوم حفظ وحدت

در اندیشه امام، وحدت مسلمانان از چنان جایگاهی برخوردار است که خود از عوامل ضرورت تشکیل حکومت است و وحدت تمامی گروه‌های مختلف جامعه به استمرار ثبات و نظم و امنیت در جامعه منجر می‌گردد: «ما برای این که وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای این که وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز این که تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن، حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است به وجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است؛ چنان که حضرت زهرا، سلام الله علیها، در خطبه خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است» (همان، ص ۳۶-۳۷).

۱-۶ ضرورت حکومت برای اجرای قانون

وجود حکومت به منظور برپاداشتن قوانین حافظ حقوق و حدود مردمان و تأمین امنیت همه جانبه و عدالت اجتماعی - اقتصادی و فراهم نمودن رفاه همگانی، از ضروری‌ترین امور انسانی است. به طوری که امام در کتاب ولایت فقیه خود چنین می‌فرماید:

«مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای این که قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجرائیه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت، خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره، مستقر کرده است. رسول اکرم (ص) در رأس تشکیلات اجرائی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت» (همان، ص ۲۵).

پس برای این که جامعه اصلاح بشود و امنیت و آرامش در جامعه برقرار شود، لازم است که حکومت تشکیل شود تا قوانین در جامعه اجرا گردد.

اهداف حکومت

مهمترین اهداف حکومت اسلامی عبارت‌اند از: تحقق عدالت، امنیت، دیانت، رفاه و تربیت. امام در این باره چنین می‌فرماید: «حضرت درباره این که چرا حاکم و فرمانده و عهده‌دار کار حکومت شده، تصریح می‌کند که برای هدف‌های عالی؛ برای این که حق را برقرار کند و باطل را از میان ببرد... برای این بود که اصول روشن دینت را بازگردانیم و به تحقق رسانیم؛ و اصلاح را در کشور پدید آوریم؛ تا در نتیجه آن بندگان ستم‌دیده‌ات ایمنی یابند؛ و قوانین (یا قانون جزای) تعطیل شده و بی‌اجرا مانده‌ات به اجرا درآید و برقرار گردد.» (همان، ص ۵۵-۵۶).

و نیز ایشان معتقدند با توجه به این که حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان نزد خدا و خلق امری نکوهیده و ناپسند است، و پرواضح است که حفظ نظام و سد طریق اختلال، جز به استقرار حکومت اسلامی در جامعه تحقق نمی‌پذیرد، لذا هیچ تردیدی در لزوم اقامه حکومت باقی نمی‌ماند. علاوه بر آنچه گفتیم، حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و شرعاً واجب است. تحقق این امر نیز جز به تشکیل حکومت اسلامی میسر نیست.

بنابراین، امام خمینی حفظ نظام جامعه اسلامی، جلوگیری از بی‌نظمی و هرج و مرج در میان امت اسلامی، حفظ حدود و ثغور کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و اجرای احکام الهی را از جمله اهداف اصلی در استقرار حکومت اسلامی می‌دانند.

از آنجایی که نوع و محتوای حکومت می‌تواند در مشارکت مردم و همچنین امنیت و ثبات یک واحد سیاسی مؤثر واقع شود، لذا امام (ره) بر محتوای حکومت اسلامی تأکید می‌ورزد و تعیین شکل حکومت را تابع مقتضیات زمانی و مکانی می‌داند که دگرگونی جوامع بر حسب پیشرفت تمدن قابل تغییر می‌باشد و مردم نیز بر تعیین آن نقش به‌سزایی دارند (جمشیدی، ۱۳۸۵).

و این امر می‌تواند به تأمین آرامش و رفاه و امنیت در جامعه بینجامد. «ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن، حکومتی است متکی به آرای عمومی. شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما، توسط خود مردم تعیین خواهد شد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۸).

امام بر این اعتقاد است که حکومت اسلامی با هیچ یک از انواع مختلف پادشاهی، امپراتوری و استبدادی و مشروطه سنخیتی ندارد؛ به طوری که ایشان تصریح می‌فرماید:

«حکومت اسلامی هیچ‌یک از انواع طرز حکومت‌های موجود نیست. مثلاً استبدادی نیست، که رئیس دولت، مستبد و خودرأی باشد؛ مال و جان مردم را به بازی بگیرد و در آن به دلخواه دخل و تصرف کند؛... حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه؛ بلکه «مشروطه» است. البته نه مشروطه به معنای متعارف فعلی آن، که تصویب قوانین تابع آراء اشخاص و اکثریت باشد. مشروطه از این جهت که حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره، مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص)، معین گشته است...» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۴۳).

همچنین در ساختار حکومت اسلامی، رهبری نظام با ویژگی‌هایی که قانون برایش مشخص کرده و وظایفی که برای او تعیین شده، در ایجاد و استمرار امنیت، نقش تأثیرگذار دارد. رهبری نظام با نقش نظارتی خود بر ارگان‌ها و نهادها و نیز بر کارگزاران و عملکردهایشان، آن‌ها را در انجام وظایف قانونی‌شان ملزم نموده و از انحرافات و خطاها برحذر می‌دارد و بدین طریق، جامعه و نظام را از فروغلتیدن در ناامنی بازداشته و ثبات و امنیت را برای حکومت و کشور به ارمغان می‌آورد. امام (ره)، در نظریه حکومتی خود، بحث ولایت فقیه را مطرح کرده‌اند که در واقع بیان‌کننده نوعی خاص از اداره جامعه است که از طریق آن حاکمیت در جامعه اسلامی تحقق پیدا کند (جمشیدی، ۱۳۸۵). امام، ولایت فقیه را یک امر بدیهی می‌داند که نیازی به اقامه برهان و دلیل ندارد، چنان‌که می‌فرمایند: «ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن‌ها موجب تصدیق می‌شود، و چندان به برهان احتیاج ندارد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۹).

«قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد، ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است... شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی‌خواهد به مردم زورگویی کند... ولایت فقیه، ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود... نظارت کند بر همه دستگاه‌ها.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۸-۳۱۱).

درحقیقت، می‌توان گفت که بحث ولایت فقیه به عنوان یکی از نهادهای اساسی جمهوری اسلامی مطرح است. از جمله وظایف ولی فقیه که می‌تواند موجب رفاه و آسایش و امنیت افراد جامعه شود، عبارت‌اند از:

۱- حفظ کیان اسلام و نظام سیاسی اسلام؛ امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «یک مطلوب در کار است و آن مطلوب همه شماها هست. و او حفظ جمهوری اسلامی که حفظ اسلام است و حفظ کشور اسلامی [است]». (همان، ج ۱۴، ص ۱۴۱).

۲- حفظ تمامیت ارضی و استقلال و حیثیت جامعه اسلامی؛ یکی از بزرگترین اهداف تحقق انقلاب اسلامی و نیز تشکیل حکومت در دیدگاه امام، حفظ تمامیت ارضی، هویت، استقلال، امنیت و حیثیت جامعه

اسلامی و مسلمانان در برابر اجانب و بیگانگان و نفی هرگونه وابستگی به بیگانگان، پذیرش استعمار و نظایر آن می‌باشد (جمشیدی، ص ۶۱۱).

۳- تأمین امنیت عمومی و رفاه نسبی در جامعه؛ می‌توان گفت یکی از دلایل تشکیل حکومت در جامعه، تأمین امنیت عمومی و رفاه نسبی اعضای جامعه در تمام ابعاد زندگانی می‌باشد؛ چه بدون امنیت و رفاه، افراد جامعه نمی‌توانند استعدادهای خود را شکوفا ساخته در مسیر سازندگی جامعه قرار گیرند و در این صورت امکان رشد و توسعه از جامعه سلب می‌گردد (همان، ص ۶۱۵).

به همین دلیل امام (ره)، نوید حکومت اسلامی را با امنیت عمومی می‌دهد:

«امید است در پرتو حکومت عدل و افراشته شدن پرچم اسلام، آزادی و امنیت و استقلال نصیب ملت محترم ایران شود» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۱۸).

۲- خانواده

نهاد خانواده یکی از نهادهای اجتماعی نخستین است که شالوده حیات اجتماعی محسوب می‌گردد به عنوان عامل واسطی است که قبل از ارتباط مستقیم فرد با گروه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی نقش مهمی در انتقال هنجارهای اجتماعی و میراث‌های فرهنگی به عهده دارد (زارعی، ۱۳۸۳، ص ۲۵).

امام خمینی (ره)، شروع تربیت فرزندان را از دامن مادران می‌داند و می‌فرماید:

«پرورش از دامن شما شروع می‌شود. دامن بانوان است که بچه‌های خوب را پرورش می‌دهد. ممکن است که یک بچه‌ای که شما خوب تربیت بکنید، یک ملت را نجات بدهد. توجه داشته باشید که بچه‌ها را خوب تحویل جامعه بدهید و آموزش‌تان با پرورش باشد.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۵۹۸).

بنابراین از آنجایی که کودکان در آغوش مادران تربیت می‌شوند. مادران عزیز برای این‌که هم فرزندان‌شان از امنیت برخوردار باشند و هم اینان که در آینده مملکت را اداره می‌کنند، بتوانند امنیت کشور و جامعه را تأمین کنند، می‌بایست کودکان و جوانان را با اعتماد به نفس و مستقل و متکی به خود بار بیاورند. چرا که انسان‌هایی که از اعتماد به نفس و شخصیت مستقل برخوردارند، می‌توانند استقلال مملکت خویش را نیز از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... حفظ کنند و روحیه خودکفایی و خودگردانی و حفظ شرافت ملی را در ملت خود تقویت کنند و برعکس انسان‌هایی که اعتماد به نفس ندارند و وابسته به دیگران هستند، قادر نخواهند بود وطن خویش را از سلطه دیگران مصون بدارند. یکی دیگر از مسائلی که مادران می‌توانند در ایجاد آن در کودکان و جوانان نقش داشته باشند، اتحاد و وحدت است؛ چرا که اتحاد و وحدت زیربنای امنیت است. خانواده‌ها می‌توانند مسئله وحدت را از داخل خانه شروع کنند و به بچه‌ها بیاموزند که بین اعضای خانواده باید وحدت باشد تا خانواده از امنیت بهتری برخوردار باشد. این را بچه‌ها می‌توانند عملاً در خانواده تمرین کنند. مثلاً بچه‌ها در خانواده بیاموزند که اگر با هم متحد شوند، کسی نمی‌تواند به آنان آسیبی برساند و آنان را اذیت کند.

حضرت امام خمینی بارها در بیانات خود خطاب به جوانان می‌فرمودند که وحدت کلمه و اتحاد خود را حفظ کنید (همان، ج ۹، ص ۲۲۸)، و معتقد بودند که اگر همه با هم متحد بشوند هیچ دولتی نمی‌تواند به آنها غلبه کند (همان، ج ۱، ص ۳۸۴).

به نظر نگارنده، خانواده‌ها می‌توانند در تأمین امنیت عمومی نقش مؤثری داشته باشند. مثلاً می‌توانند از همان دوران کودکی به بچه‌ها بیاموزند که آداب عمومی اجتماعی را رعایت کنند، مقررات اجتماعی را رعایت کنند و به حقوق دیگران احترام بگذارند. و همچنین، خانواده‌ها باید نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی و نسبت به مسائل اسلامی بی‌اعتنا نباشند و نسبت به این مسائل توجه داشته باشند و فرزندان خود را نیز طوری پرورش دهند که آنان نیز نسبت به این مسائل توجه داشته باشند و در مسائل اجتماعی، سیاسی جامعه حضور داشته باشند؛ چرا که حضور در جامعه و مشارکت در مسائل اجتماعی و سیاسی، خود از عوامل امنیت‌زا می‌باشد.

امام می‌فرمایند:

تک‌تک خانواده‌ها الآن در مسائل سیاسی و اجتماعی حاضرند و خودشان را موظف می‌دانند که اگر یک مطلبی واقع بشود که برخلاف موازین باشد این‌طور نیست که بی‌تفاوت باشند. (همان، ج ۱۳، ص ۲۶)

امام خطاب به خانواده‌ها می‌فرمایند که اگر می‌خواهید بچه‌ها برای مملکت از هر لحاظ مفید باشند، آنان را تربیت اسلامی و انسانی کنید. (همان، ج ۱۰، ص ۱۹)

در واقع می‌توان چنین برداشت کرد که، با تربیت اسلامی و انسانی بچه‌ها، امنیت جامعه و خانواده‌ها به نوعی تأمین می‌شود. همچنین امام خطاب به خانواده‌ها می‌فرمایند:

«... شما هم خود حافظ باید باشید و هم نگهبان درست کنید؛ نگهبان، اولاد شما هستند، آنها را تربیت کنید. خانه‌های شما باید خانه تربیت اولاد باشد...» (همان، ج ۷، ص ۵۰۴).

۳- تعلیم و تربیت

از دیگر نهادهای مورد تأکید امام خمینی، نهاد تعلیم و تربیت است. برای این‌که جامعه در آرامش و امنیت باشد نیاز است که بسترهای لازم آن فراهم شود. از جمله این‌که جامعه از تعلیم و تربیت اصولی و درستی برخوردار باشد. امام همواره بر امر تعلیم و تربیت تأکید می‌کردند و معتقد بودند که تعلیم در کنار تربیت بایستی باشد و تربیت را بر تعلیم مقدم می‌دانستند. (همان، ج ۹، ص ۳۳۵)

و می‌فرمودند: «صدمه‌هایی که وارد می‌شود بر مملکت، غالباً از این متفکرین بی‌پرورش، آموزش‌های بی‌پرورش واقع می‌شود؛ علم را تحصیل می‌کنند لکن تقوا ندارند» (همان، ج ۲۱، ص ۵۹۷). و نیز می‌فرمودند:

«مهم تربیت است، علم تنها فایده ندارد...» (همان، ج ۱۴، ص ۴۰).

می‌توان گفت تعلیم و تربیت درست و اصولی، می‌تواند کلید سعادت یک کشور باشد. از جمله نهادهایی که می‌تواند در امر تعلیم و تربیت نقش مؤثری داشته باشد، نهاد آموزش و پرورش است؛ زیرا بنا به نظر امام، تربیت فاسد و اخلاق نادرست یک دانش‌آموز، زمینه‌ساز تباهی کشور و انسان‌های آن است و معلم نیز در این امر شریک خواهد بود. (همان، ص ۳۳-۳۴)

برای داشتن یک کشور آرام و باثبات و باامنیت، نیاز است که در کشور فرهنگ‌سازی شود. آموزش و پرورش می‌تواند در این زمینه فرهنگ‌سازی کند. مسئولین آموزش و پرورش و معلمین عزیز، باید طوری برنامه‌ریزی‌های تربیتی نمایند که به جای یادگیری‌های ساکن، راکد و کلاس‌مدار، به آموزش و پرورش متنوع، پویا و عمل‌گرایانه توجه شده و کودکان، بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی و از جمله نکات مربوط به امنیت را حداقل یک بار در دوران تحصیل در جامعه با نظارت مربیان و معلمان تجربه کنند. مثلاً برای حفظ امنیت ملی بسیج شوند و در کنار هم مانور اجرا نمایند. دانش‌آموزان باید به کرات آموزش ببینند که منافع عمومی و ملی و مصالح کلی جامعه را به بازی نگیرند و حاضر باشند برای حفظ حقوق دیگران و امنیت جامعه و کشور، از خودگذشتگی کنند. بچه‌ها باید توجیه شوند که این‌گونه گذشت‌ها جدای از پاداش‌های معنوی، به نفع همگان است. بنابراین معلمان و دبیران بایستی تلاش کنند که با برنامه‌ریزی‌های دقیق و مناسب در جامعه، البته با کمک و همکاری سایر نهادها، مسئله امنیت‌خواهی را فرهنگ‌سازی کنند.

امام خطاب به معلمان می‌فرمایند: «جوان‌ها را مستقیم بار بیاورید، آدم بار بیاورید، اگر علاقه دارید به این‌که کشور شما، دین شما محفوظ بماند. این محفوظیت کلیدش دست شماست. کلید سعادت و شقاوت یک ملت، دست فرهنگی است... شما باید که می‌توانید یک مملکتی را به پیش برانید، هم معنویاتش را و هم مادیاتش را و شما باید که می‌توانید یک مملکتی را خدای نخواستہ به عقب برانید، هم معنویاتش را و هم مادیاتش را...» (همان، ج ۷، ص ۴۳۳).

و نیز می‌فرمایند: «فرهنگی‌ها یک مسئله بسیار بزرگی در گردن‌شان هست و آن تربیت است؛ تربیت جوان‌هاست، تربیت بچه‌هاست. این تربیت بچه‌ها اگر تحقق درست پیدا نکند که این بچه‌های کوچکی که تحت تربیت معلمین هستند خوب تربیت بشوند، مملکت ما بعدها نجات پیدا می‌کند... ما باید کوشش کنیم که این مغزهای کوچولوی بچه‌ها را از حالا سالم بار بیاوریم تا بتوانند این‌ها بعدها دفاع کنند از کشورتان» (همان، ج ۱۱، ص ۴۰۱).

یکی دیگر از نهادهای آموزشی که می‌تواند جوانان را شجاع، مستقل و امنیت‌خواه بار بیاورد، دانشگاه است. امام از دانشگاهی‌ها می‌خواهد که انسان متعهد و درست تربیت کنند تا کشور نجات پیدا کند و در امان باشد:

«شما دانشگاهی‌ها کوشش کنید که انسان درست کنید اگر انسان درست کردید، مملکت خودتان را نجات می‌دهید. اگر انسان متعهد درست کردید، انسان امین، انسان معتقد به یک عالم دیگر، انسان معتقد به خدا... اگر این انسان در دانشگاه‌های شما و ما تربیت شد مملکت‌تان را نجات می‌دهد» (همان، ج ۸، ص ۶۷).

و همچنین امام از دانشگاهیان می‌خواهد که علاوه بر دانش به جوانان تهذیب اخلاق هم بیاموزند چراکه دانش بدون تهذیب اخلاق، امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد:

«آن کسی که دانش دارد لکن دانشش توأم با یک تهذیب اخلاق و یک تربیت روحی نیست، این دانش موجب این می‌شود که ضررش بر ملت و کشور زیاده‌تر باشد از آنهایی که دانش ندارند. همین دانش را یک

شمشیری می‌کند در دست خودش و با آن شمشیر دانش، ممکن است که ریشه یک کشور را از بین ببرد و قطع کند.» (همان، ص ۳۱۰).

و نیز می‌فرماید: «دانشگاه‌ها را مرکز تربیت قرار بدهید. علاوه بر دانش، تربیت لازم است، اگر یک دانشمندی تربیت نداشته باشد مضر است، خیانت می‌کند و آن کسی که با علم خیانت بکند، با دانشمندی خیانت بکند خطرش بیش‌تر از سایر مردم هست...» (همان، ج ۱۲، ص ۲۸).

اگر بخواهیم امنیت کشور حفظ شود باید نهادهای آموزشی از جمله دانشگاه‌ها، جوانان را افرادی شجاع و مستقل و خودکفا بار بیاورند. افرادی که بتوانند در مقابل غرب قیام کنند و در مقابل استعمار ایستادگی. امام خطاب به جوانان این‌گونه وصیت می‌کنند: «وصیت این‌جانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۳۱). امام معتقد بودند که دانشجویان وقتی از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند باید مستقل در فکر باشند، مستقل در عمل باشند، تحت تأثیر گرایش‌های غربی و شرقی نباشند. (همان)

با توجه به بیانات امام و آثار ایشان می‌توان گفت که اگر دانشگاه‌ها و مدارس، اسلامی باشند و جوانان را انسانی تربیت کنند در این صورت هم مملکت از تصرف بیگانگان مصون می‌ماند و هم برای کشور پیشرفت حاصل می‌شود.

رسانه‌های گروهی، از دیگر نهادهای مرتبط با تعلیم و تربیت و شاید از تأثیرگذارترین آن‌ها باشد؛ آن‌گونه که به نظر امام، چنین رسانه‌هایی که دارای دامنه و برد وسیعی بوده و برخی همچون رادیو و تلویزیون برای تمامی اقشار اعم از باسواد و بی‌سواد آن قابل استفاده است، جایگاهی همپایه مربی، معلم و دانشگاه‌ها را به دست آورده است. رسانه‌های گروهی قادرند با برنامه‌ریزی‌های دقیق و کنترل شده، اندیشه‌های مردم یک جامعه را شکل دهند و رفتار آنان را به صورت دلخواه قالب‌ریزی نمایند. از سوی دیگر، کاهش روابط رو در رو و چهره به چهره در جهان معاصر، موجبات تأثیرپذیری شدید مردم از رسانه‌های جمعی را فراهم آورده است. رسانه‌های گروهی می‌توانند با ارائه برنامه‌ها و مطالب آموزنده و علمی، سطح افکار عمومی را بالا برده و مردم را به حقوق و وظایف‌شان آگاه کنند و باعث تقویت روحیه امنیت‌خواهی در مردم باشند. رسانه‌های گروهی به خصوص صدا و سیما از جمله نهادهای بسیار حساس و پراهمیت است. و اگر اصلاح نشوند قدرت آن را دارند که با محتوای گمراه‌کننده و ناسالم، مبدل به کانون انتشار فساد و بی‌بندوباری و ناامنی گردند. امام در این زمینه می‌فرماید:

«امروز نقش رادیو، تلویزیون از همه دستگاه‌ها بالاتر است؛ اگر این اصلاح بشود، یک کشور را می‌تواند اصلاح کند و اگر خدای نخواستہ انحراف در این باشد، یک کشور را می‌تواند منحرف کند» (همان، ج ۱۶، ص ۱۱۸).

صدا و سیما می‌تواند از طریق ساخت و پخش برنامه‌های اخلاقی، مذهبی و همچنین برنامه‌های حماسی و از طریق آگاه کردن مردم از جهان اطراف خود و اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع، نقش بسیار مهمی در ایجاد روحیه امنیت‌خواهی مردم، داشته باشد و در این زمینه می‌تواند فرهنگ‌سازی کند.

۴- دین

اسلام دینی است که خداوند آن را برای رشد، تربیت و سعادت همه جانبه انسان و تأمین رفاه و امنیت اقشار مختلف جامعه جهانی فرستاده است تا با پاسخگویی به همه نیازهای بشری و اصلاح زندگانی آنان، چگونه زیستن را به آنها بیاموزد. از منظر امام، اسلام دین جامع و کاملی است که برای تربیت و پیشرفت تمامی مراحل زندگی مادی و معنوی انسان دارای برنامه است: «[اسلام] مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذاری ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آن‌ها کوشیده است.» (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۲-۴۰۳).

در جای دیگر امام بر آن است که اسلام، دین هدایت مردم جامعه به سوی رفاه و معنویت دنیا و آخرت است و این امر می‌تواند در آرامش و ثبات جامعه بسیار مؤثر واقع گردد؛ چنان‌که می‌فرماید: «اسلام برای شما و برای همه بشر و همه توده‌های عالم تحفه آورده است، تحفه همگانی و برای همه و در رأس برنامه‌های اسلامی هدایت است که شما را هدایت کند به راهی که هم دنیای شما تعمیر بشود و معمور باشد و هم آخرت شما» (همان، ج ۱۴، ص ۶۵).

و اسلام می‌خواهد با لحاظ کردن تمامی ابعاد وجودی انسان، او را تربیت نماید: «اسلام نه دعوتش به خصوص معنویات است و نه دعوتش به خصوص مادیات است، هر دو را دارد؛ یعنی اسلام و قرآن کریم آمده است که انسان را به همه ابعادی که انسان دارد بسازند [و] او را تربیت کنند.» (همان، ج ۴، ص ۱۸۴).

امام بر این اعتقاد است که علی‌رغم این‌که اسلام همه تلاش خود را در راستای تربیت انسان‌ها و ساختن وی به کار می‌برد اما زمانی که بفهمد قابل تربیت نیستند و پیمان‌شکنی می‌کنند و با دشمنان اسلام علیه مسلمانان همکاری و توطئه می‌نمایند، اقدام به از بین بردن آنان می‌نماید: «اسلام در عین حالی که تربیت است، یک مکتب تربیت است، لکن آن روزی که فهمید قابل تربیت نیست، هفتصد نفرشان را در یک‌جا، یهودی بنی قریظه را در حضور رسول الله می‌کشند، گردن می‌زنند به امر رسول الله» (همان، ج ۱۳، ص ۴۹).

از آنجایی که وجود معضلات و مشکلات جامعه می‌تواند به تشدید موارد غیر امنیتی نظام بینجامد، امام حل مشکلات را از طریق روی آوردن به اسلام به منظور هدایت جامعه توصیه می‌نماید: «ما معتقدیم تنها مکتبی که می‌تواند جامعه را هدایت کند و پیش‌بردد اسلام است و دنیا اگر بخواید از زیر بار هزاران مشکلی که امروز با آن دست به گریبان است نجات پیدا کند و انسانی زندگی کند و انسان‌گونه باید به اسلام روی بیاورد.» (همان، ج ۵، ص ۴۳۷)

اسلام برای رفاه، و آسایش مردم و جامعه نقش به‌سزایی قائل است و یکی از عناصر عدم امنیت و ثبات هر نظام سیاسی را ناشی از بی‌اعتنایی به رفاه جامعه می‌داند:

«اسلامی که تمام اقشار در آن به رفاه زندگی بکنند، اسلامی که همه آزاد باشند، اسلامی که استقلال را برای ما حفظ کند، اسلامی که طبقات ضعیف را برومند کند، اسلامی که طرفدار مستضعفین هست، من به شما تبریک می‌گویم این اسلام را» (همان، ج ۷، ص ۲۳).

امام بستر اقتصاد اسلامی را در راستای برآورد و تأمین رفاه مردم می‌داند و در این زمینه می‌فرماید: [اسلام]، اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی به نفع همگان، در رفاه همه مردم، با اهمیت به مستمندان و ضعیفان، بارور می‌کند. برای رشد بیش‌تر کشاورزی و صنعت و تجارت کوشش می‌نماید و در بُعد نظامی، به همه کسانی که صلاحیت دفاع از کشور را دارند برای مواقع اضطراری تعلیم نظامی می‌دهد و در این مواقع بسیج عمومی اختیاری و احیاناً اجباری می‌کند و در حال عادی برای دفاع از مرزها و تنظیم شهرها و ایمنی جاده‌ها و حفظ نظم و انتظام، نیروی مؤمن ورزیده تربیت می‌کند. (همان، ج ۱۹، ص ۳۴۳).

یکی از برنامه‌های اساسی حکومت اسلامی از دیدگاه امام، ایجاد رفاه اقشار مختلف جامعه می‌باشد تا زمینه‌ها و بسترهای مناسب رشد و تربیت و آسایش و ثبات جامعه فراهم گردد: «برنامه دولت اسلامی آن است که همه بشر به سعادت برسند و همه در کنار هم به‌طور سلامت و رفاه زندگی کنند.» (همان، ج ۹، ص ۷۲).

امام به زندگی به عنوان مبارزه در راه اهداف متعالی و نفی ستم‌پذیری و کسب عزت می‌نگرد. بنابراین زندگی عرصه مبارزه در جهت کمال مطلق است که بر دو پایه هجرت و جهاد قرار دارد، هجرت در همه وجوهش در راه حق و به سوی کمال الهی، و جهاد همه‌جانبه و همیشگی در راه خداوند. و این ویژگی اسلام باعث نهادینه شدن فرهنگی می‌شود، که امنیت و آرامش را در جامعه تثبیت می‌کند به‌طوری‌که می‌فرماید:

زندگی یعنی آرمان و مبارزه در راه آن- *إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ*- مطلبی که از نظر شیوه تفکر اسلامی هیچ جای تردید در آن نیست، این است که مرگ از این زندگی ذلت‌بار بهتر است. (همان، ج ۲، ص ۲۰۰).

امام همچنین بر این مسئله تأکید دارد که اسلام دینی است که از سوی پیامبر آورده شده است تا مستکبرین در روی زمین نباشد و نتواند که مستضعفین را استعمار و استثمار نماید. و امنیت و آرامش انسان‌ها را به خطر افکند: «اسلام برای همین مقصد آمده است و تعلیمات اسلام برای همین معناست که مستکبری در زمین نباشد و نتواند مستکبرین، مستضعفین را استعمار و استثمار کنند، ما به تبع تعالیم عالیه قرآن و آنچه از اسلام و سیره رسول اکرم و... به دست آوردیم... آن است که مستضعفین با هم مجتمع شوند و بر مستکبرین ثوره کنند و نگذارند حقوق آنها را ببرند.» (همان، ج ۷، ص ۱۱۷).

امام بر این عقیده‌اند که اسلام دین طرفدار حق و عدالت و مبارزان ضد استعماری است و این امر باعث می‌گردد تا از نفوذ بیگانگان در مسائل داخلی کشور جلوگیری به عمل آورد و استقلال و امنیت ملی کشور حفظ گردد و مردم در آرامش به زندگی خود ادامه دهند: «اسلام، دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند، دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است.» (امام

خمینی، ۱۳۸۵، ص ۱۰). و «منطق اسلام این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۹۱).

اسلام در برابر زورگویان و دیکتاتوران می‌ایستد و این موضوع باعث می‌گردد در جامعه مناسبات سالمی برقرار گردد و آرامش و ثبات در آن ایجاد گردد: «اسلام است که نمی‌گذارد اجانب بر مسلمین حکومت بکنند، اسلام است که جلوی ظلم را می‌گیرد، جلوی دیکتاتوری را می‌گیرد...» (همان، ج ۵، ص ۵۴۷).

همچنین در جایی دیگر اسلام را نجات‌دهنده مردم از اختناق می‌داند: «اسلام است که شما را نجات می‌دهد [از این‌که آزاد نباشید]، از اختناق نجات می‌دهد. اسلام است که استقلال شما را بیمه می‌کند رو به اسلام بیاورید.» (همان، ج ۷، ص ۴۱۹).

امام (ره)، معتقد است که اسلام در جهت تحقق وحدت جوامع مختلف و اقشار گوناگون جامعه گام برمی‌دارد و آنان را به رفع اختلافات خود فرا می‌خواند: «اسلام یک دین آسمانی است که برای ارشاد ملت‌ها و رفع اختلاف بین آنان و هدایت به کمالات انسانی و رفع ظلم و بیدادگری آمده است.» (همان، ج ۹، ص ۱۲۹).

و در این راستا، امام خمینی معتقد است که اسلام همه را به وحدت و یگانگی دعوت می‌نماید. این امر می‌تواند زمینه‌های ثبات جامعه را تحکیم بخشد و پایه‌های تفرقه و پراکندگی را از بین ببرد: «اگر قطع‌ایادی دشمنان را می‌خواهید... اگر می‌خواهید که کشور مال خودتان باشد بیاید همه زیر پرچم اسلام" و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا" امر خدا را اطاعت کنید و از آنچه نهی فرموده است بپرهیزید... صراط مستقیم اسلام است،... متفرق نشوید، گروه گروه نشوید.» (همان، ص ۱۶۷).

از آنجایی که یکی از عناصر تنش و ناامنی در یک جامعه، امتیازات و تفاوت‌های غیرمنطقی بین انسان‌ها و اقدام مختلف می‌تواند باشد، اسلام این‌گونه امتیازات را از بین برده است. امام در این باره می‌فرماید: در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و اشخاص غیر غنی و اشخاص سفید و سیاه، اشخاص مختلف، سنی و شیعه، عرب و ترک و غیر ترک به هیچ وجه امتیاز ندارند. قرآن کریم امتیاز را به عدالت و به تقوا دانسته است. امتیازات به مادیات نیست، امتیازات به دارایی‌ها نیست. باید این امتیازات از بین برود و همه مردم مساوی هستند با هم و حقوق تمام اقشار به آن‌ها داده می‌شود... (همان، ج ۶، ص ۴۶۱-۴۶۲).

از مطالب این قسمت چنین برداشت می‌شود که:

۱- از دیدگاه امام، وحدت و یکپارچگی اقشار مختلف، زمینه ثبات و امنیت را در جامعه فراهم می‌کند و اسلام، امتیاز و تبعیض بین اقشار مختلف را نفی می‌کند.

۲- اسلام با سلطه بیگانگان بر مسلمانان مخالف بوده و در مقابل زورگویی و دیکتاتوری می‌ایستد و با ظلم مقابله می‌کند و مردم را از اختناق رها می‌سازد.

۳- از برنامه‌های حکومت اسلامی، فراهم ساختن زمینه‌های مناسب برای رشد و تربیت انسان‌ها و رساندن آنها به سعادت، و مبارزه با فساد که از علل ایجاد ناامنی است، می‌باشد. اسلام برای رفاه و آسایش مردم و

جامعه، نقش به‌سزایی قائل بوده و آن را یکی از عناصر امنیت نظام می‌داند و اسلام در جنبه هدایت جامعه به سوی رفاه و معنویت در دنیا و آخرت توجه کرده است.

جمع‌بندی

در این پژوهش، نقش برخی از نهادها در تأمین و حفظ امنیت مورد بررسی قرار گرفت. نهادی چون حکومت که امام بر لزوم تشکیل حکومت به منظور حفظ نظام جامعه و جلوگیری از ناامنی و هرج و مرج، برقراری نظم و امنیت عمومی در هر جامعه‌ای تأکید دارد. نهاد خانواده، دومین نهادی است که مطرح شد. والدین، به خصوص مادران می‌توانند نقش مؤثری داشته باشند. آنان می‌توانند اعتماد به نفس، روحیه خودکفایی، وحدت و متحد بودن و مستقل بودن را از همان دوران طفولیت در بچه‌ها ایجاد کنند. چرا که جوانی که از اعتماد به نفس برخوردار باشد و دارای روحیه خودکفایی باشد و بداند اتحاد یعنی چه و چه اثراتی دارد، مسلماً چنین فردی می‌تواند هم امنیت خود و هم امنیت جامعه را به نحو مطلوبی تأمین کند. و خانواده‌ها می‌توانند بچه‌ها را طوری تربیت کنند که نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه خود توجه داشته باشند و در مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند. چرا که مشارکت افراد در جامعه، خود از عوامل امنیت‌زا می‌باشد.

در ادامه، تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار داده شد. از جمله نهادهایی که می‌توانند در امر تعلیم و تربیت نقش مؤثری داشته باشد، نهاد آموزش و پرورش است. مسئولین آموزش و پرورش و معلم‌ها باید طوری برنامه‌ریزی‌های تربیتی بکنند که به جای یادگیری‌های ساکن و راکد به آموزش و پرورش‌های متنوع، پویا و عمل‌گرایانه توجه شده و کودکان، بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی و از جمله، نکات مربوط به امنیت را حداقل یکبار در دوران تحصیل با نظارت معلمان تجربه کنند. و دانش‌آموزان باید به کرات آموزش ببینند که منافع عمومی و ملی و مصالح کلی جامعه را به بازی نگیرند و حاضر باشند برای حفظ حقوق دیگران و امنیت جامعه از خودگذشتگی کنند. و همچنین دانشگاه‌ها می‌توانند جوانان را افرادی شجاع، مستقل، خودباور و امنیت‌خواه بار بیاورند. امام در سخنان خود از دانشگاهیان می‌خواهد که سعی کنند جوانان را درست تربیت کنند تا کشور نجات پیدا کند و تا کشور از دست اجانب و بیگانگان محفوظ بماند.

در ادامه بحث، نقش رسانه‌های گروهی در ایجاد روحیه امنیت‌خواهی در افراد جامعه بررسی شد. رسانه‌های گروهی، قادرند با برنامه‌ریزی‌های دقیق و کنترل‌شده، اندیشه‌های مردم یک جامعه را شکل دهند و رفتار آنان را به صورت دلخواه قالب‌ریزی نمایند. در واقع می‌توان گفت که رسانه‌های گروهی می‌توانند با ارائه برنامه‌ها و مطالب آموزنده و علمی، سطح افکار عمومی را بالا برده و مردم را به حقوق و وظایف‌شان آگاه کنند و باعث تقویت روحیه امنیت‌خواهی در مردم باشند.

و چهارمین نهادی که مورد بررسی قرار گرفت، نهاد دین است. امام بر این باور است که دین اسلام، دینی است که برای تمام ابعاد زندگی انسان برنامه دارد. و برای آرامش و ثبات و امنیت انسان‌ها راهکارهایی را ارائه کرده است. مثلاً: اسلام با سلطه بیگانگان بر مسلمانان مخالف بوده و در مقابل زورگویی و دیکتاتوری می‌ایستد و با ظلم مقابله می‌کند و با فساد که از علل ایجاد ناامنی است مبارزه می‌کند. اسلام، امتیاز و تبعیض بین اقشار مختلف را نفی می‌کند و بر وحدت و یکپارچگی که زیربنای امنیت است تأکید می‌کند. دین اسلام برای نهادهایی چون خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت دستورهایی دارد که اگر به آن آموزه‌ها و دستورها عمل بشود مطمئناً این نهادها می‌توانند در ایجاد و حفظ امنیت مؤثر باشند.

Archive of SID

منابع

- قرآن کریم.
- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۵). امنیت در نظام سیاسی اسلام، چاپ اول، تهران: کانون اندیشه جوان.
- جمشیدی، محمد حسین، (۱۳۸۵). اندیشه‌های سیاسی امام خمینی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- خمینی (امام)، روح الله، (۱۳۸۵)، ولایت فقیه، چاپ سیزدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- زارعی، معصومه، (۱۳۸۳)، اندیشه‌های اجتماعی امام خمینی، پایان‌نامه کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم.
- سالار، محمد، (۱۳۸۵)، «مؤلفه‌های امنیت در اندیشه امام خمینی»، اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶.
- شیخ الاسلامی، محسن، (۱۳۷۸)، «حکومت اسلامی و رهبری آن از نظر امام خمینی»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۲.
- صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مارش، دیوید و استوکر، جری، (۱۳۷۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.